

## واکاوی حکمرانی خوب شهری در جغرافیای سیاسی شهرستان ایرانشهر

سعید خسروی

گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

حمید احمدی<sup>۱</sup>

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

گارینه کشیشیان سیرکی

گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

محمد رضا قاندي

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

### چکیده

از طریق حکمرانی خوب شهری نوعی از توسعه پدید می‌آید که در آن فقرا حق تقدم دارند، امور زنان بهبود می‌یابد، محیط‌زیست پایدار ایجاد می‌شود و فرصت‌های اشتغال و عوامل رفاهی پدید می‌آیند. به این ترتیب مفهوم حکمرانی خوب و توسعه پایدار انسانی جدایی‌ناپذیر است. هدف از شاخص‌های حکمرانی خوب شهری سنجش اندازه‌گیری و کیفیت اداره امور شهری است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که با توجه به نقش حکمرانی خوب در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، از دید نخبگان استان سیستان و بلوچستان؛ به کدام یک از شاخص‌های حکمرانی خوب در جهت توسعه شهرستان ایرانشهر بایستی اولویت داد؟ روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که توسعه‌یافتگی و رفع محرومیت در استان سیستان و بلوچستان نیازمند تبیین یک الگوی جامع حکمرانی خوب و اجرای آن است در پژوهش پیشرو با توجه به ظرفیت سنجی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با نگاه به آینده می‌توان یک الگوی جامع و هماهنگ با شرایط زیست جامعه شهرستان ایرانشهر ارائه نمود. در تحقیق حاضر سعی شده است ابتدا شاخص‌های حکمرانی خوب شهری با توجه به وضعیت این شهر، اولویت‌بندی شود و سپس فاصله وضع موجود و مطلوب، مشخص گردد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب شهری، جغرافیای سیاسی، شهرستان ایرانشهر.

## مقدمه

حکمرانی خوب شهری از جمله مفاهیمی است که با مشارکت شهروندان و تغییر نقش و کارکردهای دول محلی همراه است. از منظر سیستماتیک، حکمرانی فراتر از حکومت بوده و مبین وجود ساختارهای داخلی و خارجی مبتنی بر قدرت سیاسی و اقتصادی است که از طریق این ساختارها مشکلات مربوط به کمبود منابع، تولید و توزیع سامان می‌یابد. حکمرانی شهری مجموعه‌ای از راه‌هایی است که افراد و نهادها اعم از خصوصی و دولتی از طریق آن‌ها به مدیریت و اداره شهر می‌پردازند (Adinehvand and Alian, 2016). چنین فرایندی عملی پیوسته است که به وسیله آن منافع افراد مختلف به کمک فعالیت‌های مشارکت‌گونه تأمین خواهد گردید و شامل نهادهای رسمی و غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. حکمرانی شهری پیوندی ناگسستنی با رفاه شهروندان دارد. حکمرانی خوب شهری می‌باید شهروندان را قادر سازد تا از منافع شهروندی بهره‌مند شوند. حکمرانی خوب شهری هر آنچه را که برای زندگی شهروندان لازم و ضروری است در اختیار می‌گذارد و از طریق آن است که شهروندان می‌توانند از استعدادها و توانایی‌های خود در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خویش بهره‌گیرند حکمرانی شهری فرایندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد. علاوه بر آن، حکمرانی شهری کاملاً جنبه سیاسی در خود نهفته دارد (Sharifian Thani, 2001: 9) و از آنجا که حکمرانی یا حاکمیت شهری، وظیفه به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های عمومی در جهت منافع عامه را دارد (Padash et al., 2007: 4) به‌عنوان فرایند مشارکتی توسعه، تعریف می‌شود و به‌موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمهیداتی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌آورند که نتیجه آن رفع ناپایداری توسعه شهری، رفع ناپایداری‌ها از بدنه نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی شهری، کارآمد سازی و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور شهری و تفویض قدرت، وظایف و صلاحیت‌ها به حکومت‌ها و سایر ذینفعان محلی خواهد بود (Lalehpour, 2007: 68).

در حکمرانی خوب، مشارکت از جایگاه بالایی برخوردار است. از دیدگاه کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه حکمرانی خوب دارای ۸ مؤلفه اصلی است که اولین آن مشارکتی بودن به حساب می‌آید. مشارکت همه آحاد جامعه به‌عنوان اساس حکمرانی خوب قلمداد می‌شود. مشارکت می‌تواند هم به‌صورت مستقیم و هم توسط نهادهای واسط مشروع و یا نمایندگان آن‌ها صورت پذیرد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی الزاماً به معنای دخیل ساختن توقعات و انتظارات افسار آسب‌پذیر در اتخاذ سیاست‌ها به‌صورت مستقیم برای راضی نگه داشتن آن‌ها نیست بلکه مشارکت باید سازمان‌دهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق می‌گردد. از دیگر اصول حکمرانی خوب شفافیت است. شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آن‌ها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این راستا باید اطلاعات کافی تهیه گردد و به‌صورت قابل فهم در اختیار عموم قرار داده شود. مشارکت مدنی به مفهوم مشارکت فعال شهروندان در زندگی اجتماعی است و آنچه تعیین‌کننده میزان و کیفیت مشارکت مدنی شهروندان است، اطمینان و اعتماد آن‌ها به حکومت محلی و نهادهای دولتی است. کاهش اعتماد می‌تواند منجر به

عدم مشارکت شهروندان و اجتماعات محلی و حتی بخش خصوصی در فعالیتهایی نظیر انجام خدمات عمومی و کاهش مشارکت سیاسی شود (Asadi, 2015). اعتماد ارتباط مستقیمی با شفافیت دارد. شفافیت به روش مستقیم‌تری بر مشارکت مدنی تأثیرگذار است. مسئولیت‌پذیری عامل کلیدی در جلب موفقیت‌آمیز مشارکت شهروندان و بخش خصوصی در پروژه‌های توسعه شهری و تجدید حیات شهر به حساب می‌آید. آن دسته از دولت‌های محلی که ارزیابی‌های اولیه و برنامه‌های خود را با شهروندان شریک می‌شوند و از نظرات آن‌ها به صورت مستمر بهره می‌جویند، در اجرای برنامه‌های توسعه با مشارکت ذینفعان محلی اثربخش‌تر عمل می‌کنند؛ بنابراین شفافیت می‌تواند در تأیید نقش تغییر یافته دولت از یک تأمین کننده و کنترل کننده کالاها و خدمات شهری، به یک توانمند ساز و تسهیل کننده دسترسی، از طریق تشویق مشارکت فعال بخش خصوصی و جامعه مدنی در امور عمومی و دولتی کمک نماید (Etaat and Mousavi, 2011).

عدم توسعه یافتگی در بعد سیاسی، سبب شده است که مردم استان در انتخاب فرد اصلح در شورای شهر که نقش مهمی در توسعه یافتگی شهر دارد قربانی نگاه خویشاوندی و طایفگی خود شوند و از این رو مطالبه برای مردم استان به معنای اخص کلمه شکل نگرفته است. توسعه یافتگی در بعد اقتصادی؛ این استان به دلیل ظرفیت‌های جغرافیایی و گردشگری و خاصه اتصال به آب‌های آزاد، توسعه بندر چابهار و توسعه سواحل مکران می‌تواند شاهراه حیاتی جنوب شرق کشور گردد و با یک حکمرانی خوب منجر به توسعه اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان می‌گردد. مردم سیستان اکثراً شیعه و مردم بلوچستان اکثریت سنی مذهب هستند؛ و ما در این پژوهش، مذهب را در زمره‌ی فرهنگ مورد مذاقه قرار می‌دهیم. این تفاوت فرهنگی باعث شکل‌گیری ذهنیت منفی طرفین نسبت به هم شده است و گاهی تبدیل به تحركات از طرف افراطی‌های هر قوم نسبت به هم شده است. از این جهت تفاوت مذهبی در استان سیستان و بلوچستان منجر به توسعه نیافتگی در بعد فرهنگی آن شده است (Akbari and Haghshenas, 2013).

حکمرانی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرایندی است که از طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر و چگونه وظایف خود را به انجام برسانند (Nobari et al., 2010: 47). با در نظر گرفتن این نکته که دولت‌ها همواره در طول تاریخ نقشی انکارناپذیر در شکوفایی و سعادت و یا در نابودی و انحطاط و نابودی ملت‌ها داشته‌اند، در خلال اجرای طرح‌هایی مانند برنامه اسکان بشر و برنامه‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به توسعه پایدار و ضرورت تضمین اجرایی این برنامه‌ها شاخص‌های حکمرانی خوب از سوی محققین و سازمان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان معیارها و شاخصه‌های حکمرانی خوب مطرح شده است (Nazek Nobari et al., 2010: 62) که عبارت‌اند از:

۱. مشارکت
۲. قانون مداری
۳. شفاف‌سازی

۴. انعطاف‌پذیری

۵. وفاق محور

۶. عدالت

۷. کارآمدی

۸. پاسخگویی (سازمان ملل آموزشی، علمی، فرهنگی) (Pourmohammadi et al., 2011).

شهرها با برخورداری از پتانسیل‌های بالا به‌مثابه موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق ایجاد مشاغل و طرح ایده‌ها نقش بازی می‌کنند اگرچه شهرها دارای مزیت‌ها و جاذبه‌هایی هستند، اما محرومیت‌های اجتماعی را نیز دامن می‌زنند چراکه عدم توزیع بهینه منابع و ثروت به محرومیت اجتماعی و فقر در میان جوانان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و سایر گروه‌های حاشیه‌ای جامعه می‌انجامد (United Nations Human Settlement Program, 2000). بنا بر منشور سازمان ملل متحد حکمرانی خوب اصول به هم وابسته پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی، امنیت، فعالیت‌های مدنی و شهروندی را توصیف می‌کند (United Nations Human Settlement Program, 2009).

#### رویکرد نظری

در مقام تعریف، حکمرانی شهری نوعی فرآیند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است که هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در برمی‌گیرد و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید دارد. بنا بر نظر اکثر صاحب‌نظران، حکمرانی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به‌سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه حکومتی اختیاردار آن دو باشد (United Nations Human Settlement Program, 2009). ساختار مدیریتی یک شهر نمودی است از وضعیت کل حاکمیت کشور، وجود اختلاط در نحوه مدیریت و همچنین در نظر نگرفت سایر گروه‌های تأثیرگذار بر شهر موجب می‌شود سیستم، مدیریتی مناسب و تأثیرگذار نداشته باشد. بخش‌های مختلف یک ساختار نیازمند این هستند که رابطه‌ای متقابل با همدیگر داشته باشند و عدم ای ارتباط موجب می‌شود که توافق روشنی درباره مسئولیت‌ها صورت نگیرد. به‌منظور رفع این وضعیت همه‌ی بخش‌ها باید توافق روشنی برای انتخاب مسیر و همچنین پذیرفتن مسئولیت را عهده‌دار شوند (Decker & Kampen, 2012). یک محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع نیازمند ظرفیت مدیریت قابل‌توجهی است که به نظر می‌رسد حکمرانی شهری قابلیت فراهم کردن آن را دارد. الگوی حکمرانی خوب اثر بخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است (Torabi, 2014)..

آنچه امروزه در اداره شهر مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد و به عنوان پارادایمی در مدیریت شهرها معرفی می‌شود، بهره‌گیری از الگوی حکمرانی خوب شهری بوده که در آن دولت، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان افقی و فرابخشی به مشارکت می‌پردازند. در این بستر است که می‌توان امیدوار به حل مشکلات و معضلات ساختاری و کارکردی شهرها بود (Nobari and Rahimi, 2012).

حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره دارد. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه دولت<sup>۱</sup> استفاده شده است؛ اما در طول دهه ۱۹۸۰ اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت به کار گرفتند. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است (Khomr and Kavosi Qafi, 2015). هر سه آن‌ها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند. دولت محیط سیاسی و حقوقی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود. حکمرانی خوب روایتگر توسعه انسان‌محور است. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ آن را به عنوان «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو» تعریف نموده است (Stow, 1992). پاسخ گوئی، اثربخشی و کارایی دولت، حاکمیت قانون، توسعه پایدار، تعامل دولت با بخش غیردولتی و جامعه مدنی محورهای اساسی حکمرانی خوب می‌باشد. حکمرانی خوب نقش حداقلی برای دولت قائل است و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش غیردولتی را دائماً مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است دولت باید نقش هماهنگ کننده و تنظیم کننده داشته باشد و به جای تصدی‌گری به تنظیم و تسهیل روابط بپردازد. در حکمرانی خوب، دولت فعالیت سایر بخش‌ها را هموار می‌سازد. به منظور اعمال نقش فوق، در حکمرانی خوب متغیرهایی مانند:

دموکراسی، مشارکت، پاسخ‌گوئی، اثربخشی پر اهمیت است که در صورت تحقق متغیرهای فوق تعامل بین دولت و دو بخش دیگر بیشتر خواهد شد (Sanei, 2007).

با توجه به ویژگی‌ها و قلمرو مورد اشاره در حکمرانی خوب، مأموریت و کارکرد برای حکمرانی خوب متصور می‌باشد. هر یک از ارکان حکمرانی خوب شامل حاکمیت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی وظایفی را عهده‌دار هستند؛ به عنوان مثال: دولت به عنوان جزئی از حاکمیت وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون و بخش خصوصی وظیفه کسب و کار و نهادهای مدنی فراهم کننده فرصت‌های حضور شهروندان در تصمیم‌سازی و مشارکت در تصمیم‌گیری را عهده‌دار هستند. برای اینکه بتوان حکمرانی خوب را مورد ارزیابی کمی و کیفی قرارداد و برای آن امتیاز در نظر گرفت، شاخص‌هایی تعیین شده است که برای هر یک از شاخص‌ها معیارهای

<sup>1</sup> . Government

اندازه‌گیری در نظر گرفته‌اند و در ادامه به امتیاز کشورها در خصوص پیاده‌سازی حکمرانی خوب اشاره می‌شود (Rajaei and Arghavani, 2016).

برای حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده است که روح حاکم بر همه آن‌ها تفاوت چندانی باهم ندارد. به عبارت دیگر هرکدام از تعاریفی که از این مفهوم بیان شده بود، با ابعاد خاصی از آن مورد توجه خود قرار داده و بر مبنای آن به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. در واقع حکمرانی خوب را می‌توان بر اساس ویژگی‌های آن و یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. به عبارت دیگر، در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌شود (مانند تعریف بانک جهانی) در حالی که در روش دوم حکمرانی خوب بر اساس فرآیند اعمال حاکمیت تعریف می‌شود (مانند تعریف «ماری رایبسون»، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد) داده‌اند (Meadry, 2002).

بررسی پیشینه‌ی نظری مفهوم حکمروایی نشان می‌دهد که اگرچه این مفهوم در سال‌های اخیر اهمیت یافته، اما در حقیقت واژه‌ای قدیمی است که از واژه‌ی فرانسوی (gouverner) مشتق شده است (Qelichi, 2006). مفهوم حکمروایی از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد متون جامعه‌شناسی سیاسی و اداره امور محلی شد و دلالت بر موضوع یا محتوایی قدیمی درباره‌ی رابطه‌ی قدرت و جامعه داشت که ایده‌های نظری آن به دوران ارسطو و افلاطون و ابعاد فلسفی طرح شده توسط آن‌ها در زمینه‌ی حکومت و شهروندی برمی‌گردد، اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه‌ی مناسب اعمال قدرت به منظور تحقق توسعه‌ی پایدار به کار برده می‌شود (Darban Astana and Rezvani, 2012).

بانک جهانی حکمروایی را سنت‌ها و نهادهای اعمال قدرت در راستای مصلحت عمومی جامعه، فرآیند انتخاب، نظارت و تعویض صاحبان قدرت، ظرفیت و توانایی حکومت برای اداره‌ی کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست و احترام شهروندان و حکومت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند، تعریف می‌کند (Midri and Khairkhan quoted by Darban Astaneh and Rezvani, 2012).

با توجه به مفهوم حکمرانی، زمانی که صفت خوب را به این واژه اضافه می‌کنیم مبحثی با بار معنایی آغاز می‌شود. حکمرانی خوب در برابر حکمرانی نامطلوب قرار می‌گیرد. اضافه کردن صفت ارزشی به واژه‌ی حکمرانی می‌تواند مناقشه برانگیز باشد. چنانکه افراد گوناگون، سازمان‌ها، دولت‌ها، ایدئولوژی‌ها و مدیریت شهر، هر یک حکمرانی خوب را مطابق منافع و تجربیات شخصی خود تعریف می‌کنند. با در نظر گرفتن این نکته که دولت‌ها همواره در طول تاریخ نقشی انکارناپذیر در شکوفایی و سعادت و یا در انحطاط و نابودی ملت‌ها داشته‌اند؛ در خلال اجرای طرح‌هایی مانند برنامه اسکان بشر و برنامه‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و از بین بردن اشکال تبعیض علیه زنان و کودکان و دستیابی به توسعه‌ی پایدار و ضرورت تضمین اجرایی این برنامه‌ها، توجه صاحب نظران به نقش دولت‌ها در حل مسائل انسانی معطوف شده است. بر این اساس معیارهای حکمرانی خوب از سوی محققین و سازمان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان معیارها و شاخصه‌های حکمرانی خوب مطرح شده است (Nobari and Rahimi, 2010).

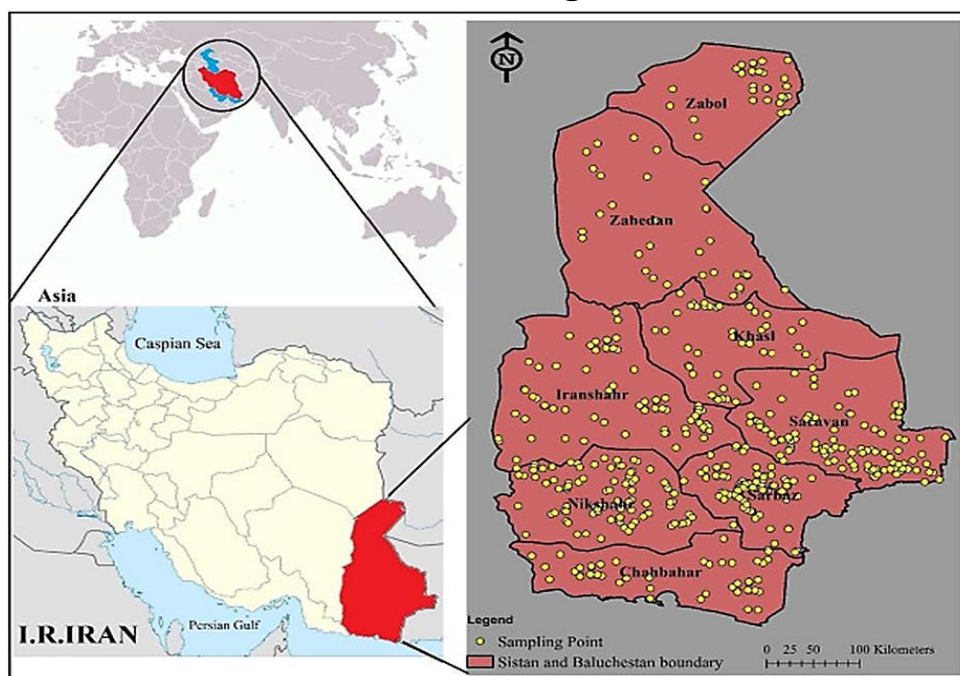
پارادایم حکمروایی مطلوب شهری که اخیراً تحولی مهم در عرصه نظری مدیریت شهری به وجود آورد، بیانگر این است که امروزه در توسعه شهری به‌غیر از دولت، اعم از ملی و محلی دو بازیگر یا شریک به نام‌های جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی وجود دارند (Azami et al., 2013). در ادبیات منتشر شده حکمروایی خوب را برگردان واژه‌ی Good Governance عنوان کرده‌اند. با وجود این، اکثر صاحب‌نظران داخلی معتقدند، به‌جای ترکیب عربی-فارسی حکمروایی، واژه‌ی حاکمیت را معادل (Governance) می‌توان به‌کاربرد و به‌جای واژه خوب، واژه شایسته را معادل (Good) قرارداد (Athari et al., Quoting Taqvae and Tajdar, 2009). واژه‌ی حاکمیت شایسته به چند دلیل بر واژه‌ای چون حکمرانی یا حکمرانی خوب ترجیح دارد. حکمرانی یا حکمروایی مترادف با حکومت است که در عین حال به قدرت حاکم (ریاست قوه مجریه governor) نیز اطلاق می‌شود؛ در صورتی که حاکمیت، چیزی بیش از صرف اعمال اقتدار توسط حکومت است. حاکمیت مستلزم کار فراسوی مرزهای بخش عمومی و نیز بین بخش‌های عمومی، خصوصی و اجتماعات محلی است. شراکت و شبکه‌سازی برای موفقیت در این عرصه امری اساسی به شمار می‌رود. به این ترتیب به نظر می‌رسد حاکمیت با حکومت یکسان نیست. حاکمیت یک فرآیند است تا یک محصول، فرآیندی که در سطوح مختلفی عمل می‌کند و واژه‌ی حاکمیت گویای معنای governance است (Asgari, quoted by Taqvae and Tajdar, 2009). استفاده‌ی ما از واژه‌ی حکمروایی خوب یا حاکمیت شایسته، گذشته از واژه‌شناسی، به همان مفهومی است که به‌وسیله‌ی سازمان‌های جهانی مسئول توسعه به کار گرفته شده است. به‌طور کلی در ادبیات منتشر شده در سال‌های اخیر، واژه‌های حکمرانی خوب شهری، حکمروایی خوب شهری و حاکمیت شایسته‌ی شهری بیش از سایر اصطلاحات مورد نظر کارشناسان بوده است، اما با وجود این آنچه مورد اهمیت می‌باشد مفهوم و اصول رویکرد مورد نظر است (Taqvae and Tajdar, 2009). بنا بر منشورهای تات سازمان ملل متحد حکمرانی خوب شهری اصول به‌هم‌پیوسته‌ی پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی، امنیت، فعالیت‌های مدنی و شهروندی را توصیف می‌کند (Nobari and Rahimi, 2010) و زمانی که برنامه اسکان در جریان دستور کار خود با چالش نحوه‌ی اجرا و دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط در سطح شهرها روبه‌رو شد و شیوه برای مواجهه با این چالش مطرح کرد که عبارت‌اند از: ۱- اقدام برای دستیابی به هدف ایجاد سرپناه برای همه، ۲- حرکت به سمت مدیریت مطلوب شهری در جهت نیل به توسعه‌ی پایدار شهری که در واقع عملیاتی کردن هدف اول را تضمین می‌کند (Taylor, 2000).

اصطلاح حکمروایی مطلوب شهری را به سه جزء می‌توان تجزیه کرد؛ حکمروایی، شهری و مطلوب. زیست‌بوم سازمان ملل، حکمروایی را برای توصیف فرآیند تصمیم‌گیری‌های جمعی به کار می‌برد. شهری معمولاً به گروه‌هایی اشاره دارد که در نواحی متراکم شهری زندگی می‌کنند. مطلوب به بار ارزشی این اصطلاح اشاره دارد (Hashemi et al., 2012). در حقیقت حکمروایی مطلوب شهری به خاطر عدم اعتماد به مدیریت شهری سابق در کشورهای توسعه‌نیافته شکل گرفته است. چراکه بسیاری از مردم این کشورها از توانایی مدیریت شهری سابق برای رفع مشکلات اجتماعی ناامید شده‌اند و این امر موجب تجدیدنظر در تئوری‌های سنتی مدیریت شهری شده است (Meshkini et al., 2013).

مفهوم حکمروایی مطلوب شهری جزو مفاهیم هنجاری بوده و می‌تواند به‌عنوان الگوی عملکردی استفاده شود. این حکمروایی می‌تواند به‌عنوان جستجوی راه‌حلی‌هایی باشد که از طریق مذاکراتی که با استفاده از روش‌های متعدد و نیز درگیری بازیگران بخش رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیردولتی)، به دست آید. حکمروایی مطلوب شهری همچنین به‌عنوان یک مفهوم بنیادی باهدف بهبود مهارت‌های اداری و بهره‌وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخگویی مقامات شهری برداشت شده است (Meshkini et al., 2013).

### محیط مورد مطالعه

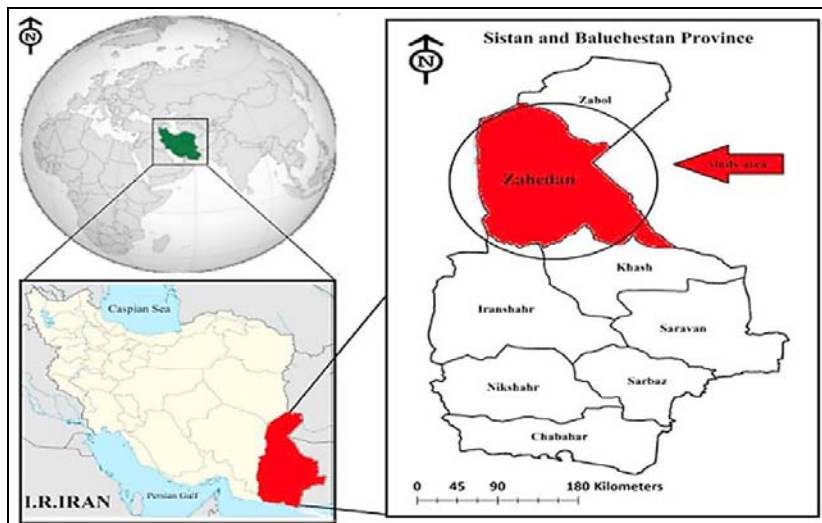
شهرستان ایرانشهر از نظر جغرافیایی در ۶۰ درجه و ۴۱ دقیقه درازای خاوری و ۲۷ درجه و ۱۲ دقیقه پهناي شمالی و در قسمت مرکزی استان سیستان و بلوچستان واقع شده است.



نقشه ۱: موقعیت استان سیستان و بلوچستان Source: <https://www.sciencedirect.com>

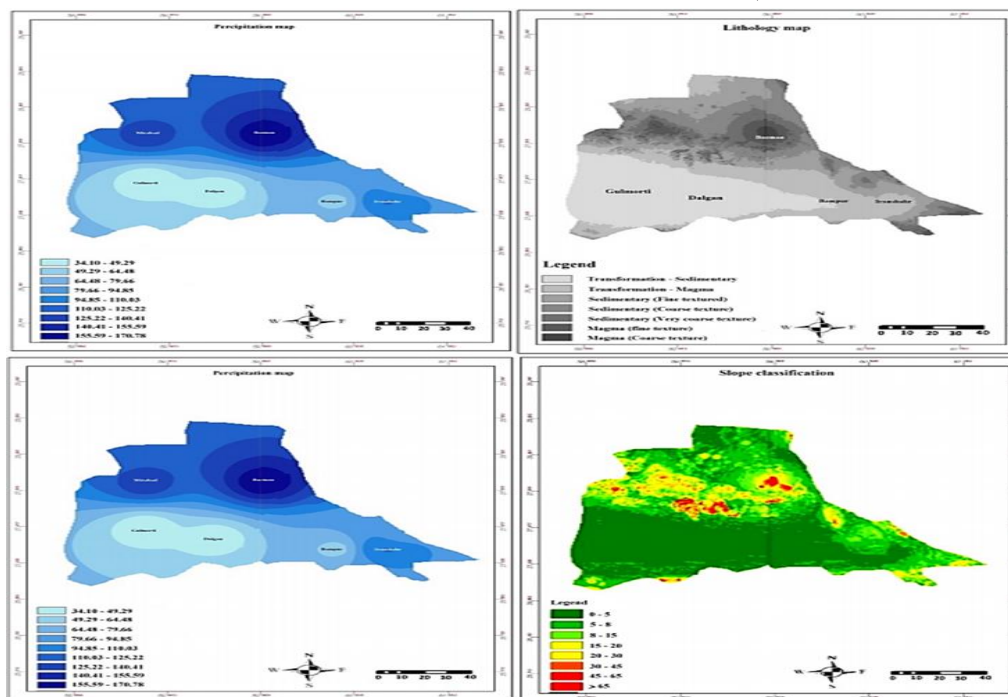
ایرانشهر از شمال به زاهدان، از باختر به بمپور، از خاور به مگس و از جنوب به چابهار محدود شده و در منتهی الیه قسمت خاوری با کشور پاکستان هم‌مرز است. شهرستان ایرانشهر در ۳۳۳ کیلومتری جنوب باختری زاهدان و در مسیر راه زاهدان - بندر چابهار در ۵۷۱ متری از سطح دریا قرار دارد. شهرستان ایرانشهر در قسمت مرکزی استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. از شمال و شمال شرقی با شهرستان‌های زاهدان و خاش، از جنوب شرقی با شهرستان مهرستان، از جنوب با شهرستان نیکشهر و سرباز، از غرب و جنوب غربی با شهرستان دلگان و از شمال غربی با استان کرمان همسایه است. شهرستان ایران-شهر ۱۸۴۷۵ کیلومتر مربع وسعت دارد (مساحت ۳۲۳۰ کیلومتر مربع). فاصله تا مرکز استان ۳۴۵ کیلومتر مربع (تا زاهدان) و فاصله آن تا پایتخت ۱۹۷۵ کیلومتر (تا تهران) می‌باشد. ارتفاع آن از سطح دریا ۵۹۱ متر و متوسط بارندگی سالیانه این شهرستان ۱۰۵,۵ میلی متر می‌باشد. شهرستان ایرانشهر دارای آب و هوای گرم و اقلیم بیابانی گرم و خشک است. درجه حرارت این شهرستان در تابستان ۵۰ درجه سانتیگراد و میانگین دمای روزانه در تابستان ۳۷,۲ و در زمستان ۱۴,۵ است.





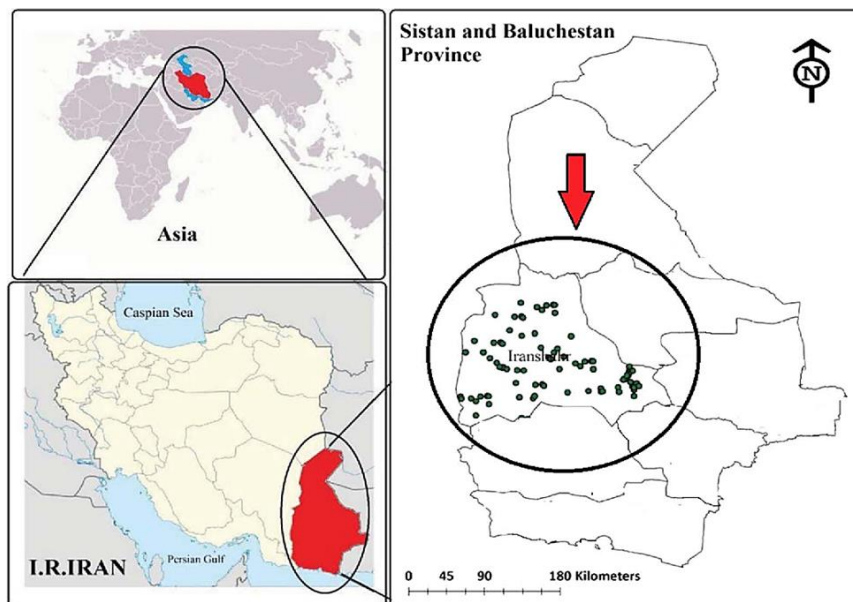
نقشه ۲: تقسیمات سیاسی زاهدان Source: <https://europepmc.org>

ایران‌شهر به قوم ۷۲ ملت معروف می‌باشد که اقوام بلوچ از تمامی استان با تیره‌های مختلف و متعدد از شمال استان و منطقه "سرحد" تا چابهار در این منطقه ساکن می‌باشند و اقوام بیرجندی، سیستانی، ترک، لر، کرد، شمالی، اصفهانی، یزدی، کرمانی، عمده ترین اقوام ساکن در این شهرستان می‌باشند که در کنار اقوام بلوچ با تعامل و سازش در امورات مختلف در کنار همدیگر خو گرفته و امرار معاش میکنند. مردم شهرستان به دو زبان بلوچی و فارسی تکلم می‌کنند و گویشهای رایج در منطقه، گویش بمپوری، گویش ایرندگان، گویش ابتری، گویش دامنی، گویش بزمانی، گویش سرحدی، گویش دلگانی و گویش نرماشیری می‌باشد. طبیعت گرم این منطقه دل‌های مردم این خطه از سرزمین ایران را خونگرم و مهمان نواز نموده است و اکثریت مردم منطقه درونگرا با پیوند عشیره ای و طایفه ای با فرهنگهای موثر و مثبت و آداب و رسوم مثل حشر، مدد، میار، بچار باعث شده تا طوایف و تیره‌های مختلف باهم همبستگی و تعاون سازنده ای داشته باشند.



نقشه ۳: نقشه جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان Source: <http://jwb.araku.ac.ir>

استان سیستان و بلوچستان به دلیل ویژگیهای فضائی و طبیعی کمترین تحولات در تقسیمات سیاسی، اداری را داشته است. در سال ۱۳۲۴ سیستان و بلوچستان به عنوان یک فرمانداری کل به تصویب مجلس رسید و مشتمل بر ۴ فرمانداری، زاهدان، زابل، سراوان و ایرانشهر بود و در سال ۱۳۳۳ به استان تبدیل شد. در سرشماری سال ۳۵ شهرستان ایرانشهر، جمعیت شهر ایرانشهر ۳۶۰۰ نفر بوده است. در سال ۱۳۶۷ بخش‌های نیکشهر، قصر قند، فنوج، بنت ولاشار از چابهار و ایرانشهر منفک و تشکیل شهرستان جدید نیکشهر را داده‌اند. در ادامه در سال ۱۳۷۹ بخشهای سرباز و راسک از شهرستان ایرانشهر منفک و ضمن تبدیل دهستان پیشین به بخش، شهرستان سرباز بوجود آمد. در سال ۱۳۸۷ نیز بخش دلگان از شهرستان ایرانشهر منفک و با ارتقاء دهستان جلگه چاه‌هاشم به بخش تبدیل به شهرستان دلگان شد؛ و هم اینک شهرستان ایرانشهر با سه بخش مرکزی، بمپور و بزمان همچنان قلب تپنده شریان‌های ورودی و خروجی شمال به جنوب و شرق به غرب می‌باشد. شهرستان ایرانشهر به جز ناحیه ای در پهنه شمال غرب شهرستان که در حوزه آبریز کویر لوت قرار دارد تمامی پهنه شهرستان در حوزه آبریز شرق جازموریان واقع شده است. در دهستان‌های دامن، ابتر جهت عمومی شیب به سمت جنوب و غرب و در دهستان حومه به جانب شرق است و البته رودخانه بمپور نیز در خط القعر پهنه شرق دهستان است و لذا شیب از شمال و جنوب به سمت رودخانه بمپور می‌باشد که نهایتاً به همون جازموریان ختم می‌شود. شهرستان ایرانشهر با وسعت ۱۸۴۷۵ کیلومتر مربع دارای ۳ بخش و ۷ دهستان و ۵۷۹ روستا می‌باشد.



نقشه ۴: موقعیت ایرانشهر

Source: <https://www.semanticscholar.org>

الف - بخش مرکزی:

بخش مرکزی دارای سه دهستان ابتر با وسعت ۸۵۰ کیلومتر مربع، دهستان دامن با ۹۰۰ کیلومتر مربع و دهستان حومه به مرکزیت شهردراز با وسعت ۱۳۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد.

عمده شغل مردم در بخش مرکزی کشاورزی، دامپروری، کارگری و فعالیتهای محدود اقتصادی در بازار خرید و فروش دام و خرید و فروش محصول خرما تولیدی می‌باشد.

بخش مرکزی دارای ۲۷۱ آبادی است که از این تعداد ۵۳ آبادی در دهستان ابتر، ۱۶۳ آبادی در دهستان حومه و ۵۵ آبادی در دهستان دامن واقع شده‌اند.

#### ب- بخش بمپور

بخش بمپور دروازه ورودی تمدن بلوچستان محسوب می‌شود که در مقطعی از زمان بزرگترین بخش کشور بوده و بخش‌های بنت و فنوج و لاشار و حتی شهرستان امروزی نیکشهر از توابع بخش بمپور بوده‌اند. بخش بمپور دارای دو شهر بمپور و محمدان می‌باشد. بخش بمپور دارای ۲۹۰۰ کیلومتر مربع مساحت و دارای سابقه و پیشینه بسیار قدیمی بوده که همزمان با دو استان سمنان و کهگیلویه و بویراحمد بخش شده و بلحاظ تاریخی مرکز حکمرانی بلوچستان و انبار غله بلوچستان بوده است.

بخش بمپور دارای دو دهستان بمپور شرقی به مرکزیت نوکجوب با وسعت ۶۵۰ کیلومتر مربع و دهستان بمپور غربی به مرکزیت قاسم آباد با وسعت ۳۲۵۰ کیلومتر مربع و دارای ۱۱۹ پارچه آبادی بوده که از این تعداد ۵۱ آبادی در دهستان بمپور غربی و ۶۸ پارچه آبادی در دهستان بمپور شرقی واقع شده‌اند.

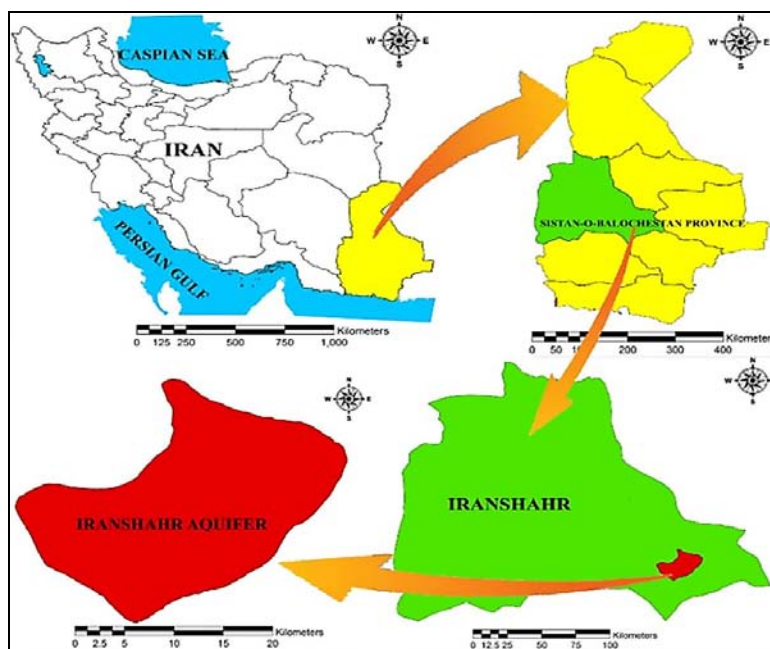
#### ج: بخش بزمان

بخش بزمان کم تراکم ترین، وسیع ترین و کم جمعیت ترین بخش شهرستان می‌باشد. این بخش دارای ۱۲۴۷۵ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد و دارای دو دهستان آب رئیس به مرکزیت مسجدابوالفضل با وسعت ۵۹۲۵ کیلومتر مربع و دهستان بزمان به مرکزیت گیمان با وسعت ۶۵۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد. بخش بزمان جمعاً دارای ۱۸۸ پارچه آبادی است که از این تعداد ۶۰ آبادی در دهستان آب رئیس و ۱۲۸ پارچه آبادی در دهستان بزمان می‌باشند.

براساس سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۹۰ شهرستان ایرانشهر دارای ۵۱۰۲۳ خانوار و ۲۱۹۷۹۶ نفر جمعیت بوده است که از این تعداد ۵۴ درصد جمعیت در حوزه‌های شهری و ۴۵ درصد جمعیت در حوزه‌های روستایی ساکن هستند. حدود ۷۰ درصد جمعیت شهرستان زیر ۳۰ سال سن دارند و ۱۲/۵ درصد آن کودکان زیر ۶ سال می‌باشند که ضرورت دارد این نیروی جوان را به عنوان یک قابلیت و به عنوان یک فرصت لحاظ نموده و برای آن برنامه‌ریزی نمائیم.

شهرستان ایرانشهر به واسطه گستردگی و تنوع اقلیم دارای منابع طبیعی و اقتصادی گوناگونی می‌باشد که از مهمترین آنها می‌توان به منابع معدنی و انواع کانسارها منابع و تولیدات کشاورزی همچون باغات نخیلات، صیفی جات و مرکبات و همچنین صنایع دستی و سنتی مانند گلیم بافی و حصیر بافی، سکه دوزی و آئینه دوزی و سفالگری و همچنین مشاغل صنعتی بازرگانی اشاره نمود. پوشش گیاهی مناطق مختلف کوهستانی و نیمه کوهستانی با مناطق جلگه ای و پست و هموار این شهرستان متفاوت می‌باشد انواع گونه‌های جنگلی داز، کهور، کلیر، چگرد، چش و

کنار و ... را نام برد. علاوه بر گیاهان و درختچه‌های یاد شده گیاهانی همچون کلیر، مشکک، ریش بز، سداب، بنگ دانه، وگون و درمنه و حنا، بارهنگ، پوته، اسپند و... با مصارف دارویی نیز در این شهرستان می‌روید.



نقشه ۵: موقعیت ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان

Source: <https://link.springer.com>

## یافته‌ها

توسعه‌ی صنعت گردشگری و جذب گردشگر برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی مواجه هستند از اهمیت بالایی برخوردار است (Sharifian Thani, 2001). عناصر مختلفی بر فرایند جذب گردشگر تأثیر گذارند که یکی از مهمترین عوامل در مدیریت این عناصر، حکمرانی خوب است (Emami & Shakeri, 2015). صنعت گردشگری به عنوان دومین صنعت مهم در جهان، منبعی برای ایجاد درآمد ارزی و درآمد مالیاتی دولت، توسعه‌ی اشتغالزایی، رشد بخش خصوصی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها و منبعی مهم برای جبران کمبود اعتبارات دیگر بخش‌های اقتصادی می‌باشد (Sanei, 1999). امروزه جذب گردشگر و فراهم ساختن رضایت خاطر گردشگران برای ورود به کشور، یکی از شاخص‌های کمی سنجش توانایی کشور در پیشبرد اهداف اقتصادی است. جذب و ورود گردشگران بین المللی به یک کشور، سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیر گردشگری را نیز تحریک کرده و منجر به توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای می‌شود (Eskung, 2016). باید توجه داشت که اگرچه توسعه‌ی صنعت گردشگری سرشار از مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است اما هدایت و سازماندهی نادرست این صنعت، زیان‌هایی را به همراه خواهد داشت که بسیار محسوس‌تر از منافع حاصل از آن خواهند بود، بنابراین برای هدایت کارآمد این صنعت همانطور که در ادامه بیان خواهد شد، نقش حکمرانی خوب اجتنابناپذیر می‌باشد (Qelichi, 2006). امروزه اکثر کشورها دریافته‌اند که وجود جاذبه‌های فراوان معماری، تاریخی، اقلیمی و فرهنگی به تنهایی برای جذب گردشگران کافی نیستند و در این میان لزوم وجود یک حکمرانی خوب حتمی است.

حکمرانی خوب یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال جدید بوده که از دهه ی ۱۹۹۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است. این مفهوم در راستای استفاده از شیوه‌های نوین و کارآمد کسب درآمد و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (Lalehpour, 2007). حکمرانی خوب در کنار جاذبه‌های گردشگری به وجود آورنده‌ی امنیت سیاسی، امکانات رفاهی و تدابیری برای حفظ و حراست از جاذبه‌های گردشگری است. حکمرانی خوب زمینه ساز گسترش همکاری‌های بین‌المللی، برقراری تعامل سازنده با دیگر کشورهای جهان، معرفی جاذبه‌های گردشگری کشور، دعوت دوستانه از دیگر کشورها برای ورود به کشور و احترام متقابل به فرهنگها است (Stowe Kenneth, 1992). بانک جهانی به عنوان یکی از نهادهای بین‌المللی معتبر در گزارشی که در سال ۱۹۹۰ منتشر نموده است، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه‌ی خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است. حکمرانی خوب به عنوان یکی از کلیدی‌ترین عوامل در تحقق و مدیریت برنامه‌های توسعه‌ای محسوب می‌شود، بر همین اساس است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان گردشگری، در سطوح عالی علاوه بر تسهیل، تشویق و حمایت از واحدهای تولیدی محصولات گردشگری، به منظور ارتقاء کیفیت و کسب گواهینامه‌های استاندارد کیفیت خدمات گردشگری، اقدامات نظارتی، کنترلی و تنبیهی ویژه‌ای را از طریق تشکل‌های صنفی مرتبط، به مورد اجرا می‌گذارند تا اجحافی به مصرف‌کنندگان محصولات تولیدی، صورت نگیرد و با تدوین و تصویب قوانین، آیین نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی شفاف، نگرانی‌های گردشگران را به حداقل ممکن کاهش میدهند. نواحی شهری به علت آنکه جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌شوند (Meshkini et al., 2013). شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، استادیوم‌های ورزشی، پارکها، شهربازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌های مربوط به حوادث مهم یا افرار مشهور را دارا هستند که باعث جذب گردشگران می‌شوند. در حال حاضر گردشگری شهری برای بسیاری از مدیران و مسئولان شهری به صورت یک امر نمادین و اقتصادی با اهمیت در آمده که مستلزم ارزیابی، تعریف و تعیین هدف‌ها، داوری میان گزینه‌های گوناگون در زمینه سرمایه گذاری و آمایش و ایجاد ساختار مدیریت مناسب و تجاری کردن فرآورده‌های گردشگری شهری است. همچنین مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است، شهرها مدیریت می‌شوند تا بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تامین کنند. مدیریت شهری دارای تشکیلات وسیعی است و نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، جریان عبور و مرور در شهر، رفاه عمومی، مسکن، کاربری زمین، تفریح، فرهنگ، اقتصاد، تاسیسات زیربنایی و امثال آنها بر عهده دارد (Meadry, 2007).

مدیریت گردشگری به ویژه گردشگری پایدار در بسیاری از کشورها، به منزله نمادی از هویت فرهنگی، طبیعی، انسانی از بخش‌های مهم اقتصادی محسوب می‌شود. از این رو پایداری در گردشگری، نیازمند توجه نظام مند به ابعاد فنی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و زیست محیطی در حرکت به سوی استفاده از جاذبه‌های گردشگری مطابق با نیاز امروز و حفظ و ماندگاری این منابع برای آینده است. شهرها به عنوان بستر و محرک توسعه انسانی و

به مثابه جایگاه تحولات، مدیریت و نوآوری مطرح می‌شوند. امروزه گرایش به شهرنشینی در میان جوامع مختلف دنیا یک امر انکار ناپذیر است. شهرها با برخورداری از پتانسیل‌های بالابال به مثابه موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق ایجاد مشاغل و طرح ایده‌ها نقش ایفا می‌کنند. شهرها اگر چه دارای مزیت‌ها و جاذبه‌هایی هستند؛ اما محرومیت‌های اجتماعی را نیز دامن می‌زنند. چراکه عدم توزیع بهینه منابع و ثروت به محرومیت اجتماعی و فقر در میان جوانان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و سایر گروه‌های حاشیه‌ای جامعه می‌انجامد (Midri and Kheir Khahan, 2004).

با توجه به تخمین‌های صورت پذیرفته تا سال ۲۰۱۲ حدود ۲۷ درصد جمعیت جهان در شهرها ساکن خواهند بود. پس آینده بشر در فضای شهری رقم خواهد خورد و آنگاه این شهرها خواهند بود که جلوه‌گاه برنامه‌ها و طرح‌های مختلف در خصوص مدیریت مطلوب خواهند شد. بنابر این حکمرانی خوب شهری تالشی است در جهت ارائه مدلی از مدیریت مطلوب و ساز و کارهای ایده آل برای دولت‌ها به منظور رسیدن به جایگاهی که می‌توان آن را آرمانشهر انسانی لقب داد. درک و استنباط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از حکمرانی خوب شهری مطابق با تجربه عملکردی برنامه اسکان در دو دهه اخیر است. این تجربه بر این نکته تاکید دارد که در اداره امور شهرها نه سرمایه نه تکنولوژی و نه حتی تخصص کافی نیستند. بلکه مدیریت مطلوب وجهه متمیزه یک شهر برون‌گرا یا شهری با مدیریت مطلوب در تقابل یک شهر با مدیریت نامطلوب یا شهر منزوی است (Comedy Stuart, 2017). بر این اساس موضوع اصلی حرکت در جهت حکمرانی خوب شهری رسیدن به شهر برون‌گرا خواهد بود در حکمرانی شهری شهرداران نقش رییس اصلی اجرایی شهر را بر عهده دارند که قدرت آنها متکی به آرای مستقیم یا غیر مستقیم مردم از طریق انتخاب شوراهای شهر و انتخاب مردم است. مشارکت مردم در اداره، ساماندهی شهر و اقدام‌های اجرایی، اساس حاکمیت شایسته شهری به شمار می‌آید. همچنین مردم با انتخاب نمایندگان شوراهای شهری و محلی در حاکمیت شهری حضور غیر مستقیم می‌یابند و به این ترتیب حاکمیت شایسته شهری شکل می‌گیرد (Nobari and Rahimi, 2010).

عملکرد گردشگران در فضاهای شهری، پیرامون جاذبه‌ها، بافت شهر، خرید، اسکان و فعالیت‌های جنبی است که در رویکرد با مراکز تفریحی، تاریخی- فرهنگی و نظیر اینها تبلور می‌یابد. اینگونه عملکرد گردشگری در فضای شهری در راستای انگیزه‌های متفاوت شکل می‌گیرد که برخی از آنها عبارتند از: دیدار دوستان و خویشاوندان، مسافرت‌های تجاری، حضور در نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌ها، بازدید از میراث فرهنگی، سفرهای مذهبی، حضور در مراسم و محل حوادث، رفع مسایل درمانی- بهداشتی، خریدهای تفریحی، مسائل ورزشی یا آموزشی، دلیل شخصی. بر مبنای این انگیزه‌ها عملکرد در فضای شهری چند بعدی می‌شود (Backnall, Julia, 2006). رویکرد به درون در پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و رویکرد به بیرون در کنش متقابل فرهنگی یا در بعضی موارد تضادهای ناشی از آن است. از این رو در راستای پردازش یک الگوی فضایی در شهر، گردشگری شهری را می‌توان چنین تعریف کرد: گردشگری شهری، عملکرد متقابل گردشگر- میزبان و تولید فضای گردشگری در رابطه با سفر به مناطق شهری با

انگیزه‌های متفاوت و بازدید از جاذبه‌ها و استفاده از تسهیالت و خدمات مربوط به گردشگری است که آثار متفاوتی را بر فضا و اقتصاد شهری بر جای می‌نهد. اهداف پژوهش حاضر اول اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب شهری بر اساس میزان اهمیت آن‌ها در شهرهای مقصد گردشگری و ارزیابی وضعیت موجود این شاخص‌ها در شهرهای استان سیستان و بلوچستان است. برای مدلسازی تحقیق حاضر از تکنیک‌های IPA و AHP استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که گزینه‌های مهیا بودن زیرساخت، حضور زنان در پست‌های مدیریتی و گزارش هزینه‌ها و عملکردها در اولویت بالای در مدلسازی قرار دارند.

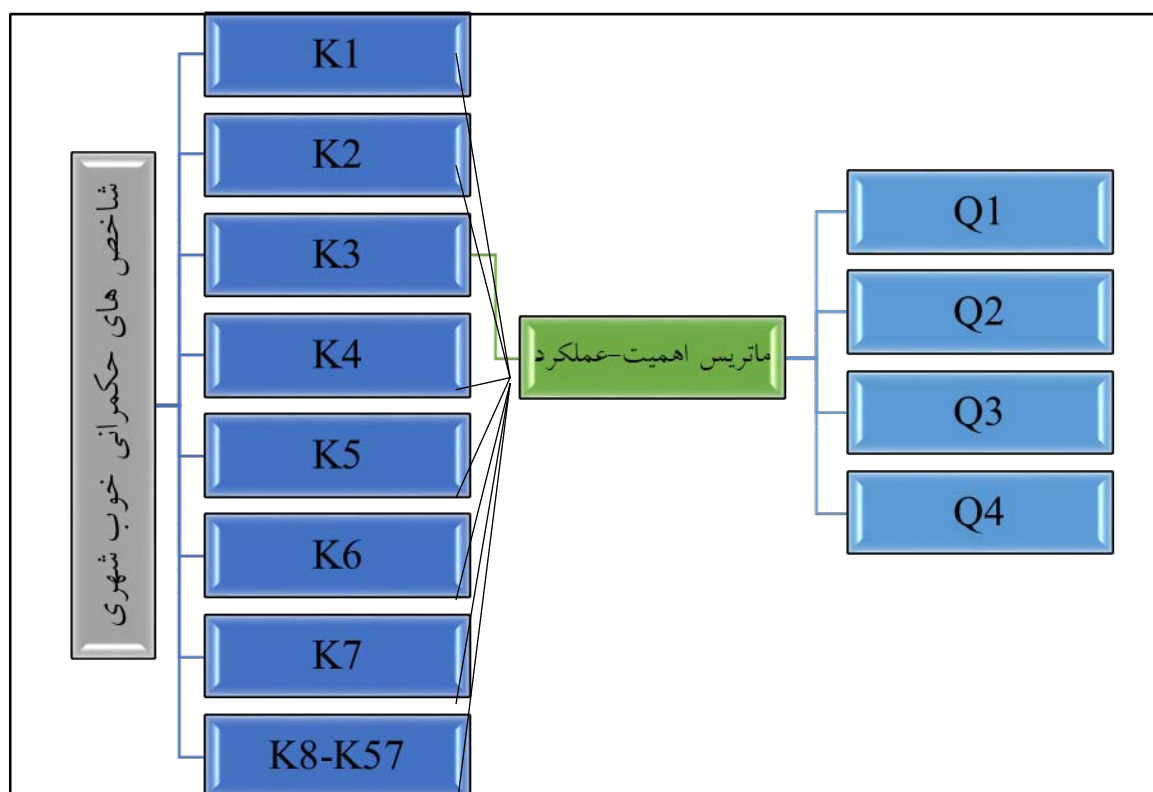
جدول ۱: راهبردهای موثر در حکمرانی خوب شهری بر اساس ۴ معیار اصلی

|   |  |
|---|--|
| راهبردهای موثر بر توسعه اقتصادی در حکمرانی خوب شهری |  |
| K1  | افزایش درصد جمعیت فعال در عرصه خدمات               |
| K2  | ایجاد اشتغال                                       |
| K3  | افزایش درآمد                                       |
| K4  | افزایش تولید                                       |
| K5  | افزایش تجارت                                       |
| K6  | مهیا بودن زیرساخت‌ها                               |
| K7  | بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان |
| K8  | کنترل فساد   |
| K9  | آزادی‌های اقتصادی                                  |
| K10   | کارآمدی دولت                                       |
| راهبردهای موثر بر توسعه اجتماعی در حکمرانی خوب شهری |  |
| K11   | حفظ دموکراسی                                       |
| K12   | تبعیض  |
| K13   | فرصت برابر   |
| K14   | فرصت ابزار وجود شهروندان                           |
| K15   | مشارکت   |
| K16   | همبستگی  |
| K17   | استقلال در تصمیم‌گیری                              |
| K18   | آزادی بیان   |
| K19   | آزادی مدنی   |
| K20   | اجماع محوری  |
| K21   | همکاری با مدیران                                   |
| K22   | نظارت بر تصمیم مدیران                              |
| K23   | مشارکت در امور شهری                                |
| K24   | جلسات و گردهمایی با مدیران                         |
| K25   | نظرخواهی از شهروندان                               |
| راهبردهای موثر بر توسعه فرهنگی در حکمرانی خوب شهری  |  |
| K26   | ضعف آموزش  |
| K27   | رعایت حقوق شهروندی                                 |
| K28   | آموزش مناسب سیاسی و مدنی                           |
| K29   | بازنمایی منفی                                      |
| K30   | دانشگاه‌ها   |
| K31   | فضاهای آموزش کافی                                  |
| K32   | کمبود مدرسه  |
| K33   | نبود زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی                   |
| K34   | همدلی بین مردم                                     |
| K35   | تضاد قومی و مذهبی                                  |
| K36   | حضور زنان در پست مدیریتی                           |
| K37   | مقاومت در برابر پارتنی بازی                        |
| راهبردهای موثر بر توسعه سیاسی در حکمرانی خوب شهری   |  |

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| K38 | ارتباط مردم با نهاد فرادست |
| K39 | اعتراف به اشتباهات         |
| K40 | پیگیری اجرای طرح‌ها        |
| K41 | عملکرد صادقانه             |
| K42 | جهت‌گیری توافقی            |
| K43 | بینش راهبردی               |
| K44 | عدالت                      |
| K45 | مسئولیت‌پذیری              |
| K46 | حاکمیت قانون               |
| K47 | کارایی و اثربخشی دولت      |
| K48 | ثبات سیاسی                 |
| K49 | پاسخگویی                   |
| K50 | کنترل فساد                 |
| K51 | مسئولیت‌پذیری              |
| K52 | کیفیت قوانین و مقررات      |
| K53 | شفافیت در عمل              |
| K54 | گزارش عملکردها             |
| K55 | گزارش هزینه‌ها و درآمدها   |
| K56 | فرصت‌های برابر             |
| K57 | توزیع عادلانه خدمات        |

Source: Research Findings, 2020

شکل زیر مدل مفهومی تحقیق بر اساس ماتریس اهمیت عملکرد نشان داده شده است.



شکل ۴-۱: مدل مفهومی تحقیق Source: Research Findings, 2020

در جدول ۲ نتایج حاصل از میانگین ارائه شده است.



جدول ۲: نتایج حاصل از میانگین

| شاخص   | عملکرد (P) | اهمیت (I) |
|--|------------|-----------|
| افزایش درصد جمعیت فعال در عرصه خدمات               | ۱          | ۶,۵       |
| ایجاد اشتغال                                       | ۱          | ۸,۱       |
| افزایش درآمد                                       | ۱          | ۷,۸       |
| افزایش تولید                                       | ۲,۱        | ۷,۸       |
| افزایش تجارت                                       | ۳,۲        | ۷,۴       |
| مهیا بودن زیرساخت‌ها                               | ۳,۳        | ۶,۵       |
| بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان | ۲,۲        | ۸,۸       |
| کنترل فساد   | ۱          | ۶,۵       |
| آزادی‌های اقتصادی                                  | ۱          | ۵,۵       |
| کارآمدی دولت                                       | ۱          | ۶,۶       |
| حفظ دموکراسی                                       | ۱          | ۷,۷       |
| تبعیض  | ۱,۱        | ۸,۸       |
| فرصت برابر   | ۲,۸        | ۷,۴       |
| فرصت ابزار وجود شهروندان                           | ۲,۷        | ۵,۶       |
| مشارکت   | ۱          | ۹,۲       |
| همبستگی  | ۲,۱        | ۸,۴       |
| استقلال در تصمیم‌گیری                              | ۲,۱        | ۶,۴       |
| آزادی بیان   | ۲,۱        | ۵,۵       |
| آزادی مدنی   | ۱,۱        | ۶,۳       |
| اجماع محوری  | ۲,۳        | ۸,۷       |
| همکاری با مدیران                                   | ۴,۵        | ۵,۶       |
| نظارت بر تصمیم مدیران                              | ۴,۵        | ۸,۷       |
| مشارکت در امور شهری                                | ۴,۵        | ۷,۴       |
| جلسات و گردهمایی با مدیران                         | ۴,۱        | ۶,۳       |
| نظرخواهی از شهروندان                               | ۶,۱        | ۴,۵       |
| ضعف آموزش  | ۵,۲        | ۷,۷       |
| رعایت حقوق شهروندی                                 | ۳,۲        | ۷,۵       |
| آموزش مناسب سیاسی و مدنی                           | ۳,۳        | ۸,۴       |
| بازنمایی منفی                                      | ۳,۴        | ۶,۵       |
| دانشگاه‌ها   | ۳,۴        | ۵,۶       |
| فضاهای آموزش کافی                                  | ۱,۱        | ۴,۸       |
| کمبود مدرسه  | ۱,۲        | ۷,۱       |
| نبود زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی                   | ۵          | ۷,۲       |
| همدلی بین مردم                                     | ۶          | ۵,۶       |
| تضاد قومی و مذهبی                                  | ۴,۲        | ۷,۱       |
| حضور زنان در پست مدیریتی                           | ۳,۴        | ۷,۸       |
| مقاومت در برابر پارتی بازی                         | ۲,۴        | ۶,۵       |
| ارتباط مردم با نهاد فرادست                         | ۳,۶        | ۷,۴       |
| اعتراف به اشتباهات                                 | ۲,۳        | ۶,۵       |
| پیگیری اجرای طرح‌ها                                | ۲,۳        | ۶,۵       |
| عملکرد صادقانه                                     | ۱,۱        | ۷,۱       |
| جهت‌گیری توافقی                                    | ۱,۸        | ۷         |
| بینش راهبردی                                       | ۲,۵        | ۶         |
| عدالت  | ۲,۲        | ۵         |

|     |     |                          |
|-----|-----|--------------------------|
| ۵,۵ | ۲,۳ | مسئولیت پذیری            |
| ۷,۴ | ۵,۴ | حاکمیت قانون             |
| ۷,۵ | ۲,۴ | کارایی و اثربخشی دولت    |
| ۸,۷ | ۲,۲ | ثبات سیاسی               |
| ۶,۵ | ۲,۴ | پاسخگویی                 |
| ۶,۵ | ۲,۵ | کنترل فساد               |
| ۸,۸ | ۱,۱ | مسئولیت پذیری            |
| ۷,۸ | ۱,۳ | کیفیت قوانین و مقررات    |
| ۶,۶ | ۲,۳ | شفافیت در عمل            |
| ۶   | ۱,۶ | گزارش عملکردها           |
| ۵,۵ | ۲,۱ | گزارش هزینه‌ها و درآمدها |
| ۵,۴ | ۲,۴ | فرصت‌های برابر           |
| ۴,۵ | ۲,۵ | توزیع عادلانه خدمات      |

Source: Research Findings, 2020

با توجه به اطلاعات جدول ۴-۱، مشخص می‌شود که مهمترین شاخص در زمینه حکمرانی خوب شهری در شهرهای مقصد گردشگری، مشارکت مردمی است، زیرا ذات و سنگ بنای حکمرانی بر مبنای مدیریت مشارکتی شکل گرفته است. همچنین، به منظور انجام‌دادن تحلیل افتراقی، آزمون همبسته با فاصله اطمینان ۳۳ درصد و با سطح معناداری ۰,۰۱ بر روی نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها، به کمک نرم افزار SPSS انجام گرفت تا سطح معناداری تفاوت میانگین‌ها مشخص شود. پس از انجام دادن این آزمون، مشخص شد که اندازه Sig در همه شاخص‌ها برابر با صفر است و به دلیل اینکه از ۰,۰۱ کوچکتر است، تفاوت میانگین‌ها در همه شاخص‌ها از سطح معناداری برخوردارند. در جدول ۱-۵ نتایج حاصل از نمره افتراقی آورده شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل نمره افتراقی

| شاخص   | عملکرد (P) | اهمیت (I) | t-value | P-I  |
|--|------------|-----------|---------|------|
| افزایش درصد جمعیت فعال در عرصه خدمات               | ۱          | ۶,۵       | ۶۴,۳-   | ۵,۵- |
| ایجاد اشتغال                                       | ۱          | ۸,۱       | ۸۰,۲-   | ۷,۱- |
| افزایش درآمد                                       | ۱          | ۷,۸       | ۷۰,۳-   | ۶,۸- |
| افزایش تولید                                       | ۲,۱        | ۷,۸       | ۸۰,۹-   | ۵,۷- |
| افزایش تجارت                                       | ۳,۲        | ۷,۴       | ۲۱۱,۳-  | ۴,۲- |
| مهیا بودن زیرساخت‌ها                               | ۳,۳        | ۶,۵       | ۳۶,۲-   | ۳,۲- |
| بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان | ۲,۲        | ۸,۸       | ۴۵۲,۲-  | ۶,۶- |
| کنترل فساد   | ۱          | ۶,۵       | ۶۵,۴-   | ۵,۵- |
| آزادی‌های اقتصادی                                  | ۱          | ۵,۵       | ۴۵,۲-   | ۴,۵- |
| کارآمدی دولت                                       | ۱          | ۶,۶       | ۷۸,۲-   | ۵,۶- |
| حفظ دموکراسی                                       | ۱          | ۷,۷       | ۴۵,۸-   | ۶,۷- |
| تبعیض  | ۱,۱        | ۸,۸       | ۷۸,۶-   | ۷,۷- |
| فرصت برابر   | ۲,۸        | ۷,۴       | ۲۱۵,۸-  | ۴,۶- |
| فرصت ابزار وجود شهروندان                           | ۲,۷        | ۵,۶       | ۳۲۵,۷-  | ۲,۹- |
| مشارکت   | ۱          | ۹,۲       | ۳۲۵,۲۱- | ۸,۲- |
| همبستگی  | ۲,۱        | ۸,۴       | ۱۰۲,۵-  | ۶,۳- |
| استقلال در تصمیم‌گیری                              | ۲,۱        | ۶,۴       | ۷,۳-    | ۴,۳- |
| آزادی بیان   | ۲,۱        | ۵,۵       | ۴,۲-    | ۳,۴- |
| آزادی مدنی   | ۱,۱        | ۶,۳       | ۷۸,۲۱-  | ۵,۲- |
| اجماع محوری  | ۲,۳        | ۸,۷       | ۵۶,۹-   | ۶,۴- |
| همکاری با مدیران                                   | ۴,۵        | ۵,۶       | ۹۵,۳-   | ۱,۱- |

|      |        |     |     |                                 |
|------|--------|-----|-----|---------------------------------|
| ۴,۲- | ۹۸,۳-  | ۸,۷ | ۴,۵ | نظارت بر تصمیم مدیران           |
| ۲,۹- | ۶۵,۳-  | ۷,۴ | ۴,۵ | مشارکت در امور شهری             |
| ۲,۲- | ۲۷,۹-  | ۶,۳ | ۴,۱ | جلسات و گردهمایی با مدیران      |
| ۱,۶  | ۸۷,۲-  | ۴,۵ | ۶,۱ | نظرخواهی از شهروندان            |
| ۲,۵- | ۶۵,۸-  | ۷,۷ | ۵,۲ | ضعف آموزش                       |
| ۴,۳- | ۸۷,۹-  | ۷,۵ | ۳,۲ | رعایت حقوق شهروندی              |
| ۵,۱- | ۳۷۱,۸- | ۸,۴ | ۳,۳ | آموزش مناسب سیاسی و مدنی        |
| ۳,۱- | ۸۷,۲-  | ۶,۵ | ۳,۴ | بازنمایی منفی                   |
| ۲,۲- | ۳۸,۲-  | ۵,۶ | ۳,۴ | دانشگاهها                       |
| ۳,۷- | ۳۱,۷-  | ۴,۸ | ۱,۱ | فضاهای آموزش کافی               |
| ۵,۹- | ۳۸,۱-  | ۷,۱ | ۱,۲ | کمبود مدرسه                     |
| ۲,۲- | ۲۱۰,۱- | ۷,۲ | ۵   | نبود زیرساختها و امکانات آموزشی |
| ۰,۴  | ۲۳۰,۷- | ۵,۶ | ۶   | همدلی بین مردم                  |
| ۲,۹- | ۲۵۶,۸- | ۷,۱ | ۴,۲ | تضاد قومی و مذهبی               |
| ۴,۴- | ۵۴۶-   | ۷,۸ | ۳,۴ | حضور زنان در پست مدیریتی        |
| ۴,۱- | ۵۸,۲-  | ۶,۵ | ۲,۴ | مقاومت در برابر پارتنی بازی     |
| ۳,۸- | ۸۷,۵-  | ۷,۴ | ۳,۶ | ارتباط مردم با نهاد فرادست      |
| ۴,۲- | ۹۸,۶-  | ۶,۵ | ۲,۳ | اعتراف به اشتباهات              |
| ۴,۲- | ۹۴,۲-  | ۶,۵ | ۲,۳ | پیگیری اجرای طرحها              |
| ۶-   | ۱۰۰,۱- | ۷,۱ | ۱,۱ | عملکرد صادقانه                  |
| ۵,۲- | ۲۸,۳-  | ۷   | ۱,۸ | جهت‌گیری توافقی                 |
| ۳,۵- | ۹۱,۲-  | ۶   | ۲,۵ | بینش راهبردی                    |
| ۲,۸- | ۹۱,۳-  | ۵   | ۲,۲ | عدالت                           |
| ۳,۲- | ۹۷,۸-  | ۵,۵ | ۲,۳ | مسئولیت پذیری                   |
| ۲-   | ۱۰۵,۸- | ۷,۴ | ۵,۴ | حاکمیت قانون                    |
| ۵,۱- | ۱۰۲,۸- | ۷,۵ | ۲,۴ | کارایی و اثربخشی دولت           |
| ۶,۵- | ۱۱۴-   | ۸,۷ | ۲,۲ | ثبات سیاسی                      |
| ۴,۱- | ۱۱۵-   | ۶,۵ | ۲,۴ | پاسخگویی                        |
| ۴-   | ۱۳۸,۹- | ۶,۵ | ۲,۵ | کنترل فساد                      |
| ۷,۷- | ۱۳۲,۸- | ۸,۸ | ۱,۱ | مسئولیت پذیری                   |
| ۶,۵- | ۱۷۸,۳- | ۷,۸ | ۱,۳ | کیفیت قوانین و مقررات           |
| ۴,۳- | ۱۴۹,۴- | ۶,۶ | ۲,۳ | شفافیت در عمل                   |
| ۴,۴- | ۱۴۵,۸- | ۶   | ۱,۶ | گزارش عملکردها                  |
| ۳,۴- | ۱۸۹,۶- | ۵,۵ | ۲,۱ | گزارش هزینه‌ها و درآمدها        |
| ۳-   | ۵۴,۹-  | ۵,۴ | ۲,۴ | فرصت‌های برابر                  |
| ۲-   | ۳۲,۸-  | ۴,۵ | ۲,۵ | توزیع عادلانه خدمات             |

Source: Research Findings, 2020

همانطور که مشخص است، همه شاخص‌ها، علاوه بر داشتن سطح معناداری، در تفاوت میانگین‌ها، نتیجه رابطه (P-I) نیز در آن‌ها منفی شده است که این نشان می‌دهد همه شاخص‌ها از وضعیت ایده‌آل فاصله دارند. در جدول زیر، موقعیت قرارگیری هریک از شاخص‌ها در چهار ربع ماتریس IP در حالت مقیاس محور و داده محور آورده شده است.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهش

مفهوم حکمرانی خوب اصولاً در منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل ایجاد شده در سایه حمایت سازمان ملل ریشه دارد. اما در چند دهه اخیر رویکرد حقوق بشری و حق بنیادین به توسعه در اعلامیه‌ها و اسناد مختلف گسترش یافته است. کمیسیون حقوقی سازمان ملل طی قطعنامه ای ۶/۲۰۰۰ به بیان ویژگی‌های اساسی حکمرانی

خوب پرداخته است که عبارتند از: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری. قطعنامه ۷/ ۲۰۰۰ نیز ضمن تأکید بر قطعنامه قبلی خود، حکمرانی خوب را به معنی مشارکت بیشتر توأم با پاسخگویی افزون تر معرفی کرده است. مفهوم حکمرانی خوب توسط کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه ۷/ ۲۰۰۰ تبیین شده است. در این قطعنامه عناصر کلیدی حکمرانی خوب عبارتند از: شفافیت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، مشارکت و حساسیت. با توجه به این که حکمرانی خوب، مدلی است برای به کارگیری بهتر اختیار به منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در همه ابعاد جامعه می‌باشد. برخی از پیامدهای حقوقی حکمرانی خوب عبارتند از:

- نگاه واقع‌گرایانه در مورد اداره امور کشور می‌باشد.
  - تقویت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.
  - اعتماد شهروندان به برنامه‌های کارگزاران و پشتیبانی قوی شهروندان از آنها.
  - تقویت مشروعیت نظام سیاسی.
  - افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق متقابل خود و حکومت.
  - ایجاد فرصت‌های برابر در تمامی زمینه‌ها.
  - توسعه پایدار انسانی.
  - توسعه مردم‌سالاری و تقویت مشارکت شهروندان، افزایش احترام به حقوق بشر و تقویت همبستگی اجتماعی.
  - کاهش فساد و تقویت سلامت اداری و مخالفت با قانون‌گریزی و هنجار شکنی.
- الگوی دولت در حکمرانی خوب دارای مؤلفه‌هایی مانند مردم‌سالاری، مشارکت، پاسخگویی، اثربخشی، عدالت و کارآفرینی است که هر یک ارزش‌هایی را دنبال می‌کنند. مثال؛ دولت مردم‌سالار بر ارزش‌هایی چون؛ آزادی، عدالت، انصاف و برابری، مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی و شهروندمداری بخش دولتی تأکید دارد. دولت عدالت محور بر ارزش‌هایی چون مشارکت عادلانه، حق برابر شهروندی، دسترسی اقلیت‌ها به ساختار قدرت و تأمین حقوق فردی تأکید می‌کند. دولت اثربخش نیز ارزش‌هایی مانند رضایت‌مندی شهروندان، حاکمیت اخلاق و افزایش اعتماد تأکید می‌ورزد. سازمان می‌تواند بر اساس مشاوره کارآمد با ذی‌نفعان درونی و بیرونی، در اختیار داشتن اطلاعات مناسب و پشتیبانی از تصمیم، تشکیلاتی به وجود آورد که او را قادر به برنامه‌ریزی و ارائه ستاده‌ها و نتایج مورد نیاز و پاسخگویی درونی و بیرونی سازد و با این حال این عوامل عواملی پویا هستند که می‌توانند بسیار تخت تأثیر ابعاد انسانی رفتار و ارزش‌ها قرار گیرند، اجرا، حفظ و تقویت این عوامل این شاخص‌ها را افزایش می‌دهد که سازمان از اعتماد ذینفعان، ارباب رجوع و پرسنل مدیریت خود برخوردار شده و مشخص شود که سازمان تصمیماتی سالم، آگاهانه و مسئولانه اتخاذ می‌کند که منجر به اقدامات مناسب و کارآمد می‌شود، استفاده از تشکیلات عملیاتی حکمرانی بهتر، سازگاری و عملکرد سازمان را تضمین نمی‌کند، اما این عامل حیاتی است که شانس و احتمال موفقیت در هر دو زمینه را افزایش می‌دهد، بر عکس به احتمال خیلی زیاد سازمانی که توجه کمی

به مسائل حکمرانی مبذول می‌دارد، نهایتاً با شکست‌هایی جدی از لحاظ برآوردن حداقل الزامات قانونی و یا انتظارات عملکرد و یا هر دو مواجه خواهد شد. روابطی که بین عناصر مختلف حکمرانی خوب برقرار می‌شوند بسیار مهمند رهبری، اصول اخلاقی و یک فرهنگ عملکردی، چارچوب را به عنوان یک کل حمایت کرده و آنرا حفظ می‌کند بدون آن‌ها زیر بنایی وجود نخواهد داشت که ساختمان بر آن اساس استوار شود. رابطه با ذی نفعان، مدیریت ریسک، پاسخگویی بیرونی و درونی برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد اطلاعات و پشتیبانی از تصمیم، بررسی و ارزیابی تشکیلات حکمرانی همگی از محورهای اساسی در بحث حکمرانی خوب در بخش دولتی می‌باشد که تفسیر هر یک نیازمند مقاله ای جداگانه است. قلمرو بررسی حکمرانی در بخش دولتی می‌تواند گسترده باشد و تمام بخش‌های سازمان در بر گیرد و یا اینکه محدود به سطح خاص شود. سازماندهی منظم و منضبط امور با استفاده از جنبه‌های برتر تفکر سیاسی، اجرای و ظاهری نگرشی واقع‌گرایانه در اداره امور و جریان‌ها، حفظ وضعیت اخلاقی و عدالت در توزیع مزایای ناشی از نگرش واقع‌گرایانه به منظور رضایت همگان نتیجه اجرای صحیح الگوی حکمرانی خوب می‌باشد.

در تحقیق حاضر سعی شده است ابتدا شاخص‌های حکمرانی خوب شهری با توجه به وضعیت شهرهای مقصد (زابل-زاهدان-ایران‌شهر-چابهار) اولویت‌بندی شود و سپس فاصله وضع موجود و مطلوب شهرهای منتخب مشخص گردد. توسعه‌نیافتگی و رفع محرومیت در استان سیستان و بلوچستان نیازمند تبیین یک الگوی جامع حکمرانی خوب و اجرای آن در استان سیستان و بلوچستان است در پژوهش پیشرو با توجه به ظرفیت‌سنجی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با نگاه به آینده می‌توان یک الگوی جامع و هماهنگ با شرایط زیست‌جامعه استان ارائه نمود. حال با توجه به اینکه شهرهای ایران خصوصاً در سال‌های اخیر رشد شتابان و ناموزونی را تجربه کرده‌اند و با توجه به این رشد شتابان شهرنشینی و هم‌چنین عدم وجود سیستم مدیریتی کارآمد چه در گذشته و چه در حال به نظر می‌رسد وجود سیستم مدیریتی جدید که نگرش پویاتر به شهر و شهروندان داشته باشد لازم است. با توجه به اینکه مدیریت شهرهای ایران در سطح پایینی است. به نظر می‌رسد که شهرهای با مقصد گردشگری (به‌عنوان نمونه شهرهای ساحلی و خشکی استان سیستان و بلوچستان) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیازمند سیستم جدید و پویاتری می‌باشند تا بتوانند به توسعه پایدار دست یابند. از سوی دیگر با توجه به اینکه اقتصاد شهرهای مقصد گردشگری به‌ویژه شهرهای ساحلی وابستگی شدیدی به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح در راستای ارتقای زیرساخت‌های صنعت گردشگری شهری دارند و تمام شهروندان آن‌ها به‌عنوان عضو فعال در این صنعت مشغول به فعالیت می‌باشند و خیلی از مشاغل شکل‌گرفته در شهرهای مقصد گردشگری در راستای همین صنعت ایجاد شده است، در این شهرها ضرورت تحقق حکمرانی خوب شهری با توجه به ویژگی مشارکتی بودن آن امری انکارناپذیر است. استان سیستان و بلوچستان برای پیشرفت و توسعه‌یافتگی نیازمند سرمایه‌گذاری دولتی و جذب سرمایه‌گذار اقتصادی، رشد و شکوفایی در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. استان سیستان و بلوچستان از دو قوم سیستانی در شمال استان و بلوچستانی در جنوب استان تشکیل شده است. سیستانی‌ها گویشی مخصوص به خود

را دارند که یکی از گویش‌های مهم زبان فارسی است. این گویش هم‌اکنون به صورت عمده در منطقه سیستان ایران، نیمروز و فراه افغانستان، سرخس ایران، ترکمنستان و دشت گرگان جاری می‌باشد. از دیگر سو مردم بلوچستان به زبان بلوچی صحبت می‌کنند زبان بلوچی امروز، ترکیبی از فارسی قدیم و فارسی جدید می‌باشد. علاوه بر آن لغات هندی و اردو و پشتو در نقاط مجاور پاکستان و افغانستان به چشم می‌خورد و در پاره‌ای از موارد لغات انگلیسی در زبان بلوچی نیز وارد شده است و آن به لحاظ تسلط انگلیسی‌ها در بلوچستان و اقامت بلندمدت سپاهیان انگلیسی در این منطقه می‌باشد.

در حال حاضر زبان بلوچی با دو شعبه بزرگ بنام بلوچی شمالی یا سرحدی و بلوچی جنوبی یا مکران در سراسر این سرزمین عظیم جاری و ساری است. لازم به توضیح است که به علت وسیع بودن سرزمین بلوچستان و عدم ارتباطات نواحی پراکنده آن، لهجه‌های گوناگونی در آن رواج دارد. بطوریکه امروزه یک بلوچ زاهدانی نمی‌تواند زبان یک بلوچ آهورانی یا دشتیاری را بفهمد چنین امری در سایر جاها نیز صدق می‌کند. بلوچی شمالی بیشتر تحت تأثیر لغات زبان فارسی قرار گرفته است و برعکس بلوچی جنوبی بیشتر متأثر از لغات انگلیسی و اردو می‌باشد از این رو شاهد تفاوت زبانی بین دو قوم سیستانی و بلوچستانی که منجر به عدم توسعه‌یافتگی در بعد اجتماعی هستیم.

عدم توسعه‌یافتگی در بعد سیاسی، سبب شده است که مردم استان در انتخاب فرد اصلح در شورای شهر که نقش مهمی در توسعه‌یافتگی شهر دارد قربانی نگاه خویشاوندی و طایفگی خود شوند و از این رو مطالبه برای مردم استان به معنای اخص کلمه شکل نگرفته است. توسعه‌یافتگی در بعد اقتصادی؛ این استان به دلیل ظرفیت‌های جغرافیایی و گردشگری و خاصه اتصال به آب‌های آزاد، توسعه بندر چابهار و توسعه سواحل مکران می‌تواند شاهراه حیاتی جنوب شرق کشور گردد و با یک حکمرانی خوب منجر به توسعه اقتصادی در استان سیستان و بلوچستان می‌گردد. مردم سیستان اکثراً شیعه و مردم بلوچستان اکثریت سنی مذهب هستند؛ و ما در این پژوهش، مذهب را در زمره‌ی فرهنگ مورد مذاقه قرار می‌دهیم. این تفاوت فرهنگی باعث شکل‌گیری ذهنیت منفی طرفین نسبت به هم شده است و گاه تبدیل به تحرکات از طرف افراطی‌های هر قوم نسبت به هم شده است. از این جهت تفاوت مذهبی در استان سیستان و بلوچستان منجر به توسعه‌نیافتگی در بعد فرهنگی آن شده است.

حکمرانی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرایندی است که از طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر و چگونه وظایف خود را به انجام برسانند.

با در نظر گرفتن این نکته که دولت‌ها همواره در طول تاریخ نقشی انکارناپذیر در شکوفایی و سعادت و یا در نابودی و انحطاط و نابودی ملت‌ها داشته‌اند، در خلال اجرای طرح‌هایی مانند برنامه اسکان بشر و برنامه‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به توسعه پایدار و ضرورت تضمین اجرایی این برنامه‌ها شاخص‌های حکمرانی خوب از

سوی محققین و سازمان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان معیارها و شاخصه‌های حکمرانی خوب مطرح شده است که عبارت‌اند از:

- مشارکت
  - قانون مداری
  - شفاف‌سازی
  - انعطاف‌پذیری
  - وفاق محور
  - عدالت
  - کارآمدی
  - پاسخگویی (سازمان ملل آموزشی، علمی، فرهنگی).
- شهرها با برخورداری از پتانسیل‌های بالا به‌مثابه موتور توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق ایجاد مشاغل و طرح ایده‌ها نقش بازی می‌کنند اگرچه شهرها دارای مزیت‌ها و جاذبه‌هایی هستند، اما محرومیت‌های اجتماعی را نیز دامن می‌زنند چراکه عدم توزیع بهینه منابع و ثروت به محرومیت اجتماعی و فقر در میان جوانان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و سایر گروه‌های حاشیه‌ای جامعه می‌انجامد. بنا بر منشور سازمان ملل متحد حکمرانی خوب اصول به هم وابسته پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی، امنیت، فعالیت‌های مدنی و شهروندی را توصیف می‌کند.

#### References

- Adinehvand, Ali Asghar; Alian, Mahdiah (2016), Good Urban Governance in Iran: Prioritization of Components and References, Journal of Winter Strategy 2016 No. 81 (in Persian)
- Asadi, Farhad (2015), Good Governance in Urban Management, First International Conference on Economics, Management, Accounting, Social Sciences, Mashhad, Iran Management Association, Atrak Danesh Research Group, (in Persian)
- Obedience, Javad; Mousavi, Seyedeh Zahra (2011), The Interrelationship between Regional Security and the Development of Political Spaces with Emphasis on Sistan and Baluchestan, Geopolitical Quarterly, Year 7, No. 1 (in Persian)
- Akbari, Nematollah and Haghshenas, Marzieh (2013), A Study of Municipal Performance in the Framework of Good Urban Governance (in Persian)
- Pour Mohammadi, Mohammad Reza; Hosseinzadeh Dalir, Karim; Piri, Issa (2011), Optimal Urban Governance Based on Social Capital: A Test of Institutional-Spatial Order of Communication and Non-Economic Activity, Case Study: Tabriz Metropolis, Geographical Studies of Dry Areas, First Year, First Issue. (in Persian)
- Khmer, Mohammad Amin; Kavousi Qafi, Armaneh (2015), Evaluation of Good Governance Indicators in Urban Management, First International Conference on Management, Economics, Accounting and Educational Sciences - 2015 (in Persian)
- Darban Astaneh, Alireza and Rezvani, Mohammad Reza (2012) Explaining the Factors Affecting Rural Governance in Local Governments, Case Study: Qazvin County, Urban Management Quarterly, No. 28 (in Persian)
- Rajaei, Zahra; Arghavani, Ali (2016), e-Governance as a Tool for Good Urban Governance, The First International Conference on New Business and Organizational Intelligence Management Paradigms (in Persian)

- Sharifian Thani, Maryam (2001) - "Citizenship Participation, Urban Governance and Urban Management", Quarterly Journal of Urban Management. No. 8 of the Law on Municipalities, Article 55 (in Persian)
- Sanei, Mahdi (1999). Good governance is a new concept in public administration. "Tadbir, No. 178 (in Persian)
- Qelichi, Hossein (2006), Critique of the book Governance, Politics and Government, by Jan Pierre and Peter Guy, Journal of Domestic Policy - Ministry of Interior, No. 1. (in Persian)
- Lalehpour, Manijeh (2007) - "Urban Governance and Urban Management in Developing Countries", Quarterly Journal of Urban Studies, No. 19-20 (in Persian)
- Meshkini, Abolfazl and Pourmousavi, Seyed Mousa and Moazen, Sohrab (2013) Evaluation of neighborhood management model based on indicators of good urban governance, Case: Evin neighborhood of Tehran, Quarterly Journal of Urban Studies, No. 6. Spring (in Persian)
- Maidari, Ahmad (2007). Introduction to the Theory of Good Governance, Social Welfare Research Quarterly, No. 22. University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences Publications (in Persian)
- Midri, Ahmad, Khairkahan, Jafar. (2004). Good governance, the foundation of development), Office of Economic Studies, Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (in Persian)
- Nobari, Nazak and Rahimi, Mohammad (2010), Good Urban Governance, An Undeniable Necessity, Tehran City Center for Studies and Planning, Daneshshahr: No. 11 - June. (in Persian)
- Hashemi, Seyed Manaf, Rafieian Mojtaba, Hosseinpour Seyed Ali (2012) Urban management policies in different countries: strategic approaches - meta-analysis - urban integration, Tahan Publications, Tehran. (in Persian)
- Backnall. Julia, 2005-2006, Good Governance for good water management.W: Worldbank Annual review
- Comedy Stuart, 2017, Designing Good Urban Governance Indicators: The Importance of Citizen Participation and Evaluation in Greater Vancouver to Evaluate Good Urban Governance and Related Indicators: Georgetown University Press
- Emami, M. & Shakeri, H. 2015, Good governance and the constitution of Islamic Republic of Iran. Journal of Law & Political Sciences, 1(2), 25-57.
- Eskung, 2016, Essential factors determining urban governance for urban development by comparing indicators related to the status of good and poor urban governance Routledge,London Ec4p4EE.
- Stowe Kenneth, 1992. Good piano with play bad music:Administrative reform and good governance.Public administration.02
- Sustainable urban development: a regional perspective on good urban governance", United Nations Economic and Social Commission for Western Asia, 2001



## **Analysis of good urban governance in the political geography of Iranshahr city**

**Saeed Khosravi**

Department of Political Science & International Relations, South Tehran Branch,  
Islamic Azad University, Tehran Iran

**Hamid Ahmadi\***

Professor, Department of Political Science & International Relations,  
University of Tehran, Tehran, Iran

**Garineh Keshishyan Siraki**

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, South Tehran  
Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Mohammad Reza Ghaedi**

Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shiraz Branch,  
Islamic Azad University, Shiraz, Iran

---

### **Abstract**

Good urban governance emphasizes that neither capital, nor technology, nor even expertise is enough to manage urban affairs, but good management is the hallmark of an outgoing city with good management versus a city with poor management or an isolated city. The main move towards good urban governance will be to achieve an extroverted city. In an extroverted city, everyone deserves a constructive and positive participation in the opportunities available in the city, regardless of wealth, gender, religion, race or age. Good urban governance creates a kind of development in which the poor have priority, women's affairs improve, a sustainable environment is created, and employment opportunities and welfare factors emerge. Thus the concept of good governance and sustainable human development is inseparable. The purpose of good urban governance indicators is to measure the quality of urban management. The main question of the present article is that considering the role of good governance in the economic, social, cultural and political development of countries, from the point of view of the elites of the four cities (Zabol, Zahedan, Iranshahr, Chabahar), the province; Which of the characteristics of good governance should be given priority for the development of these cities and Sistan and Baluchestan province in general? The method of this article is descriptive-analytical. Findings show that the development of underdevelopment and elimination of deprivation in Sistan and Baluchestan province needs to explain a comprehensive model of good governance and its implementation in Sistan and Baluchestan province in a leading study with regard to social, political, economic and cultural capacity assessment with a view In the future, a comprehensive model can be presented in accordance with the living conditions of the province. In the present study, it has been tried to first prioritize the indicators of good urban governance according to the situation of the destination cities (Zabol-Zahedan-Iranshahr-Chabahar) and then to determine the distance between the current and desired situation of the selected cities.

**Keywords: good urban governance, political geography, Iranshahr city.**

---

\*.(Corresponding author) hahmadi@ut.ac.ir